



رئیس مجلس  
رفتار اقلیم را به مصلحت  
خودشان و منطقی نمی دانیم



روزنامه



رئیس مجلس شورای اسلامی  
کام نکرده می باشد. خود به گزارش ایستادن برای  
از مجلس شورای اسلامی در این باره از مایستگاه کتاب و  
مجلس دفاع مجلس در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۷

شماره ۱۹۷۲ - شماره ۱۰ - اسفند ۱۳۹۵ - تهران

**آجرچینی جدید آمریکا در برجام**

۲۲ مهر زمانی است که طبق قانون وضع شده در کشور آمریکا رئیس جمهور ترامپ است و ایران به برجام واکنش کند یا نماند. ترامپ تاکنون دو بار پیشه ایران به برجام باز سرانگشته است. به انتخاب، انتخاب کرده و ایران به برجام است یا استقامت ایران ظهور و نمود می کند که بر طرفان برجام یعنی، نقد مذاکره و آن به پایتختی بنده امری که می تواند سرچشمه برجام را با اقلیمات و پیچیدگی های جدیدی روبرو کند. ترامپ در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل هم چیزی از جمله به برجام تم گفتمانی و آن را ماه شروع آمریکا دانست. هر چند تاکنون هیچ سندی از آمریکا در سازمان ملل از طرف او توضیح نداده که سخنان خود برجام را از برجام به معنای تمام اندکس آمریکا برای خروج نیست و نشان دهنده بازگشتی از برجام است. اما سوال اصلی آن است که چرا ما باید منتظر باشیم تا برجام در معرض بیسابقه انتقادات قرار خواهد گرفت. دولت ترامپ آنگاه خروج از برجام را می زند! واقعیت آن است که دولت ترامپ با وجود تمام گفتار و زبانه در باره برجامی در سیاست خارجی، به طرفداران برجام گفته است. برجام برنده است! به همین مناسبت از برجام زمینه تغییر جهت پانگام به سمت ایران را فراهم کند. یکی از سیاستمداران پیش گرفته شده در این چارچوب، ژنرال محمدعلی جعفری است که از طرفداران برجام است که به تازگی از سوی نیویورک تایمز در عنوان یک سخنرانی چارچوب کلی آن رسیده است.

**نویخت در بررسی سند دخل و خرج کشور بر هزینه های غیر قابل کاهش تأکید کرد**

# ۴ دستگاه بودجه خوار داریم



گفت و گو با فاطمه رهنشور در گفت و گو با «شرق»  
**قصه های اوین**

متهمان زمین خواری گردنه حیران

کار کودکان مافیا ندارد

**تلاش برای بازگشت دانا**

شهرزاد تهران تأکید کرد  
پرچم چین  
بساط فساد و تخلف  
در شوراهای معماری

**یک بانوی گرد معاون وزیر کشور می شود**

تکست سگول سرخ با محافل ایران  
آرزوی محافل فینال  
برای پرسپولیس

پاشا نیز میوش برنده دایته  
**«جیم» با تاکتیک جدید آمد**

یک بار نرسیده به نوروز و یک بار نرسیده به پاییز جمع آوری می شوند. حالا اسمش می تواند جمع آوری باشد یا دستگیری.

شرق: یک بار نرسیده به نوروز و یک بار نرسیده به پاییز جمع آوری می شوند. حالا اسمش می تواند جمع آوری باشد یا دستگیری. از همان زمانی که فعالان اجتماعی اعتراض کردند که کارتن خواب ها و کودکان کار را نباید جمع آوری کرد، چون آنها زباله نیستند، مناقشه اصلی بر سر این نبود که برای این آدم های از همه جا مانده چه کنیم. همه دنبال این بودند که واژه قشنگ تری برای طرحشان پیدا کنند. حالا دوباره ۲۰ روز مانده به مهر شروع شد و این بار گفتند ۳۰۰ کودک کار و خیابان را دستگیر کردند. طرحی که همیشه باید این چرخه معیوب را از ابتدا طی کند. بچه ها را می برند، تعهد می گیرند، بعد از مدتی رهایشان می کنند. چرا؟ چون جایی برای نگهداری این همه کودک وجود ندارد، چون این بچه ها خانواده دارند و قانون اجازه این کار را نمی دهد. بعد از خانواده ها تعهد می گیرند و خانواده مضطرب بچه ای را که احتمالاً تنها نان آور خانه است، دیگر برای کار نمی فرستد. نتیجه؟ هیچ... خانواده درگیر بزه های دیگری می شود چون راه دیگری برای امرار معاش ندارد. بعد از مدتی که آبها از آسیاب افتاد، دوباره در خیابان پیدایشان می شود تا قرار بعدی جمع آوری. بچه ها را می گویم.

فاجعه این بار عمیق تر بود. در این دستگیری ها سه کودک گم شدند و آخر هم مشخص نشد چه بلایی بر سرشان آمده، براساس برخی آمارها ایران بیش از سه میلیون کودک کار دارد که تنها یک سوم آنان زیر نظر سازمان بهزیستی قرار دارند. وضعیت بد اقتصادی خانواده، فقر، بی کاری و اعتیاد والدین علل اصلی استفاده از کودکان در بازار کار است.

وقتی از سازمان های مردم نهاد غافلیم فاطمه دانشور، کارآفرین و مؤسس مرکز خیریه مهرآفرین در گفت و گو با «شرق» درباره جمع آوری کودکان از سطح شهر می گوید: «در مورد ماجرای کودکان کار و خیابان که این روزها سروصدای زیادی را

شاهد هستیم، ذکر نکاتی بسیار مهم به نظر می‌رسد، در ابتدا اینکه کودک کار و خیابانی دو مؤلفه جدا با تعریف و ماهیتی جداگانه هستند. مسئله اصلی در این باره شاید این باشد که ما به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مداخلات و ورود به حل بحران‌های اجتماعی اولویت نداده‌ایم. بودن سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالان حوزه اجتماعی، از این جهت مهم است که آنها سال‌ها فعالیت کرده‌اند، در دولت‌ها کار کردند و کسب تجربه داشتند. از دولت اصلاحات و اصولگرا همه آمدند و رفته‌اند و در مقاطعی که صاحب اختیار بودند صحبت کرده‌اند و کاری هم انجام داده‌اند. ولی سازمان‌های مردم‌نهاد همیشه بوده‌اند و تأثیرگذار بودند. آنها صاحب سال‌ها تجربه هستند و این تجربه را مدیری با دو سال سابقه مدیریتی و نمایندگی ندارد. این افراد حجم کارهایی را که باید رسیدگی کنند، بالاست و یکی از آنها آسیب اجتماعی است و از بین شاخه‌های مختلف آسیب‌های اجتماعی یکی از موضوعات، کودکان کار و خیابان است. ولی وقتی راجع به سازمان مردم‌نهادی حرف می‌زنیم که حوزه کاری‌اش کودکان کار است، معنایش این است که این سازمان تمام هم و غمش در این چند سال کودک کار بوده است. بنابراین کنار گذاشتن آنها و بی‌توجهی به انتقاداتشان عین بی‌تدبیری و ناکارآمدی یک مدیر دولتی است». وی افزود: «من معتقدم مدیری کارآمد است که به وقتش از نظر سازمان‌های مردم‌نهاد استفاده می‌کند. در مورد اتفاقات اخیر حوزه این کودکان اظهارنظرهایی از مدیران نهادهای دولتی می‌بینیم که این اظهارنظرها نگران‌کننده و نشان‌دهنده این است که این مسئله را نمی‌شناسند و تا زمانی که این مسئله را نمی‌شناسند، نمی‌توانند راهکار درستی ارائه دهند». دانشور با منتفی دانستن وابسته بودن کار کودکان به باندهای مافیایی تصریح کرد: «اینکه می‌گویند اکثر این بچه‌ها باندهایی را در پشت سر دارند به دلیل بی‌اطلاعی آنهاست، تقریباً همه سازمان‌های مردم‌نهاد اذعان دارند که بخش اعظم کودکان کار برای تأمین معاش کار می‌کنند. لزوم حضور مددکار در پرونده‌های اجتماعی

نماینده پیشین شورای شهر تهران با اشاره به اینکه مطابق قانون در نظام جمهوری اسلامی بحث تأمین رفاه برعهده دولت است، افزود: «متأسفانه دولت در طول سال‌ها کم‌کاری کرده و نتوانسته برای آنها برنامه‌ریزی کند و در برنامه‌های توسعه اول تا پنجم آنها را ندیده است. البته این کودکان قدری در برنامه ششم دیده شده‌اند که برای عملی شدن آن هم کاری انجام نشده که اثرگذار باشد. بنابراین ما این اقبال را ندیدیم و الان بعد از سال‌ها می‌خواهیم موضوع را با جمع کردن دکان از خیابان حل کنیم و اسمش را می‌گذاریم ساماندهی کودکان. سؤال من این است که اصلاً ساماندهی یعنی چه؟ یعنی می‌خواهید بچه‌ها را نگهداری کنید و برایشان تشکیل پرونده دهید و می‌گویید مددکار دارید؟ (که حتی روی این مسئله هم ابهام وجود دارد) در صورت وجود مددکار، مددکار شما برای کودک پرونده تشکیل می‌دهد و بعد شما کودک را دوباره رها می‌کنید تا دوباره به خانواده برگردد و حالا خانواده از اینکه بچه را برای کار بفرستد، می‌ترسد و او را به کارگاه‌های زیرزمینی می‌فرستند که مشاغل سخت‌تری در انتظار اوست. درحالی‌که خانواده ناگزیر است که از طریق کودکش پول دریاورد، یعنی ما باید ریشه این مشکل را حل کنیم. وقتی در سال‌ها به حل این مشکل فکر نکرده‌ایم، حالا در یک فوریت و بنا به هزار و یک دلیل نمی‌شود آن را حل کرد. بخشی از این کودکان افغانستانی هستند و نمی‌شود به آنها پول داد، پس نمی‌شود کودک آنها را گرفت؛ چون مشکلات دیگری در این خانواده‌ها بروز می‌کند. برخورد غیرریشه‌ای با این آسیب‌ها، آسیب‌های دیگری ایجاد می‌کند. موضوعات و مسائلی که جنس انسانی دارند، به راحتی حل‌شدنی نیست و باید درباره‌اش فکر بشود. مداخلات ما همیشه ضربتی و هیجانی است و نمی‌تواند راه حل باشد». دانشور با تأکید بر اینکه برخورد ضربتی چاره‌ساز نیست، افزود: «اما دلیل این برخوردهای ضربتی چیست؟ دلیل این برخورد شاید این باشد که دولتمردان ما به‌زودی باید به مسئولان گزارش ارائه بدهند. درحالی‌که این مداخلات باید آرام و با تدبیر باشد. دادن گزارش نباید باعث شود که نزدیک به ارائه گزارش‌ها، اقدامات شتابزده بکنیم و درد این کودکان را مضاعف کنیم. ما بستر و زیرساخت حل این ماجرا را نداریم. از زمانی که مقام معظم رهبری حساسیت خود را در این موضوع اعلام کردند و از همه دستگاه‌های ذی‌ربط خواستند که در این مسئله ورود بکنند، باید آنجا ساختارهای زیربنایی تدبیر می‌شد که الان به مشکل فقر بستر برخوردیم. شما برای آن بستر لازم فکر نکردید و بنابراین با گرفتن تعهد و برگرداندن به خانواده می‌خواهید مشکل را حل کنید. اصلاً بر فرض شما سه مرتبه از خانواده این کودکان تعهد گرفتید و دوباره بچه‌ها را پیدا کردید؛ برنامه بعدی چیست؟ می‌خواهید این کودکان را کجا ببرید؟ کدام مرکز؟ یاسر؟ ورامین؟ اندرزگو؟ مگر ظرفیتش را دارید؟ ما فعالان اجتماعی ظرفیت این مراکز بهزیستی را به خوبی می‌دانیم ما می‌گوییم برای جمع‌آوری این کودکان بستر و ظرفیت وجود ندارد. الان باید به

بسترسازی در این زمینه فکر کنیم». او خاطرنشان کرد: «حل مسائل اجتماعی زمان‌بر است و در کوتاه‌مدت جواب نمی‌دهد، بیاید به فکر حل زیربنایی مشکل باشیم و در این فاصله ایجاد زیربنا به این کودکان و خانواده‌های آنها خدمات بدهیم. خدمات کاهش آسیب بدهیم و آن‌جا اوها را تقویت کنیم تا به اینها خدمات بدهند، ساعت کار بچه‌ها را کم کنیم که به جای هشت ساعت کار در روز، هفته‌ای ۲۰ ساعت کار کنند و روزهای دیگر درس بخوانند تا آسیب‌های این بچه‌ها را کم کنیم. من فکر می‌کنم نگاهمان به سازمان‌های مردم‌نهاد تغییر کند و اجازه صحبت به آنها بدهیم تا بانک اطلاعاتی تهیه کنیم. ما خیلی جلوتر از شما پرونده این کودکان را تهیه کرده‌ایم. اگر پرونده می‌خواهید از ما بگیرید، ما سال‌هاست پرونده این کودکان را ساخته‌ایم، به سازمان‌های مردم‌نهاد اعتماد کنید».

مشکلات کودکان کار باید در خانه حل شود  
دانشور گفت: «تجربه نشان داده است که وجود مددکار اجتماعی مهم است، من بارها و بارها به موضوع مددکاری اجتماعی تأکید کردم و متأسفانه نتیجه نگرفتم. اینکه دولت اجازه تقویت سازمان بهزیستی را بدهد تا این سازمان نیروی فارغ‌التحصیل مددکاری استخدام کند و آنها آموزش کافی برای مواجهه با کودکان کار را دیده باشند. وقتی یک مددکار اجتماعی با خانواده کودک کار روبه‌رو می‌شود، ریشه‌های کار کودک را بررسی می‌کند و مسئله کودک را در خانه حل می‌کند. راه حل این است که کودکی که به ۱۲ سالگی رسیده است، باید در خانه ساماندهی شود و این کار درمانگر اجتماعی است؛ کسی که رشته‌اش درمانگری اجتماعی است. باید بپذیریم نمی‌شود کسی که تخصص دیگری دارد، بیاید و یک مرتبه مددکار اجتماعی بشود، مددکار مثل پزشک است. او بیماری جسمانی را رفع می‌کند و مددکار درمانگر اجتماعی است. این بچه‌ها در خانه ساماندهی شوند و این کار وظیفه مددکار است. اگر مددکار تشخیص می‌دهد که کودک یارانه ندارد، شناسنامه ندارد و قانون باید به‌همین دلیل این چیزها را در اختیار کودک قرار دهد تا کودک به خاطر نداشتن شناسنامه از مدرسه رفتن محروم نشود و در عوض به بازار کار راه پیدا کند. باید در چنین شرایطی راهکارهایی برای حل مشکل کار کودک پیدا شود، بر فرض مثال یارانه این افراد اضافه شود و از آن به‌عنوان یک اهرم فشار در برابر کار کودک استفاده کنیم، گفته شود اگر کودک تو دوباره در خیابان پیدایش شود، این یارانه ۵۰۰ هزار تومانی‌ات را قطع می‌کنیم. اگر پدر از کار افتاده است و مادر به علت تعدد کودکان نمی‌تواند سرکار برود و بچه ۱۰ ساله سر کار می‌رود، شما ببینید چه بر سرش می‌آید». او در پایان تصریح کرد: «بنابراین بچه‌های کار را باید در خانواده‌هایشان ساماندهی کرد. درباره کودکان خیابان ما موضوع متفاوتی داریم که با آنها باید برخورد انسانی شود. بارها گفته‌ایم درباره کودکان خیابانی پایگاه‌های مداخله‌ای در وضعیت آنها را باید در مکان‌هایی مثل پایانه‌های مسافربری فراهم کنیم. این بچه‌ها از شهرستان فرار می‌کنند و خیابان‌خواب می‌شوند. عمدتاً ترمینال‌ها هستند. جایی برای این بچه‌ها نیست. درباره اینها نوع نگاه متفاوت می‌شود و با خانواده‌اش صحبت بشود و علت فرارش مشخص شود و در صورت لزوم فرزند بهزیستی شود».

صدای خیابان را بشنویم

روزبه کردونی، مدیرکل کاهش آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، نیز در این باره می‌گوید: «کودکان در اشتغال، کودکان کار، کودکان خیابانی و کودکان در خیابان (که هرکدام تعاریف مشخص و متفاوت دارند) از واقعیت‌های اجتماعی بسیاری از کلان‌شهرهای جهان از جمله تهران هستند. در این میان سؤال مهمی که هم برای سیاست‌گذاران و هم برای فعالان مدنی می‌تواند محل توجه باشد، این است که با کدام رویکرد باید با مسئله کودکان کار و خیابان مواجه شد. واقعیت این است که کودکان به‌عنوان سرمایه‌های اصلی هر جامعه باید در اولویت برنامه‌ریزی‌های سیاست‌مداران قرار بگیرند. باید دقت کنیم کودکان در مواجهه با فقر و آسیب‌های اجتماعی به شدت آسیب‌پذیرند. فقر و آسیب‌های اجتماعی اگر کودکان را هدف قرار داده، نه تنها به بازتولید نسل فقیر آینده کمک کرده؛ بلکه از حرکت جامعه در مسیر رشد، توسعه اجتماعی و بهبود شاخص‌های رفاهی ممانعت می‌کند. در این میان کودکان کار و خیابان از محروم‌ترین افرادند که از بیشترین حقوق اساسی خود بی‌بهره‌اند و ضرورت حمایت از آنان در چارچوب دفاع و حمایت از حقوق کودکان به شدت احساس می‌شود». بازداشت یا ساماندهی کودکان کار و خیابان اولین بار نیست که خیرساز می‌شود. آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابان ۱۲ سال پیش در هیئت دولت تصویب شد و از زمان تأسیس اردوگاه‌های اسکان کودکان کار، بارها به صورت ضربتی کودکان در خیابان دستگیر شده‌اند. براساس آن آیین‌نامه قرار بود کودکان زیر ۱۸ سال که در خیابان دیده می‌شوند، تحت پوشش قرار گیرند تا اگر لازم باشد به مراکز بهزیستی فرستاده شوند. بسیاری از فعالان حقوق کودکان، پدیده کارکردن را

---

موضوعی غیرقانونی برای کودکان می‌دانند و اعتقاد دارند آنان فقط باید تحصیل و بازی کنند؛ اما دولت در آیین‌نامه بر دیده‌شدن کودکان در خیابان و جمع‌کردن آنان تأکید دارد، نه کودکانی که در کوره‌های آجرپزی، کارخانه‌ها و قالیپافی‌های سراسر کشور کار سخت و زیان‌آور می‌کنند و از تحصیل محروم هستند.